

واکاوی ماهیت فقهی الکل و فراورده‌های الکلی

غلامرضا نورمحمدی^{۱*}، عباس عمادی^۲

۱. استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران.

۲. استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: g_noormohammadi@sina.tums.ac.ir

چکیده

مقدمه و هدف: کاربرد گسترده الکل و فراورده‌های الکلی سبب شده که به یکی از مسایل چالشی برای مردم و علوم پزشکی تبدیل گردد که نیازمند بررسی ماهیت فقهی الکل است. از نظر فقهی، هر چیز مُسکر (مستی‌آور) نجس و حرام است. اما مسأله مسکر بودن الکل (نجاست و حرمت الکل) در بین فقها مسأله‌ای اختلافی است. هر چند بخشی از این اختلاف، ناشی از تفاوت در مبانی فقهی است و گریزناپذیر است؛ اما برخی دیگر، به دلیل شناخت ناکافی نسبت به ماهیت الکل می‌باشد. در این تحقیق تلاش شده ماهیت الکل از منظر موضوع‌شناسی فقهی تبیین شده و ارتباط آن با دو مفهوم «خمر» و «مسکر» مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها: روش مطالعه در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که با مراجعه به متون دینی و علمی انجام شده است و اطلاعات به‌دست‌آمده دسته‌بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: الکل از موضوع ادله شرعی «خمر» و «مسکر» خارج می‌باشد و مصداق هیچ‌یک از مفاهیم شرعی «خمر» یا «مسکر» قرار نمی‌گیرد.

واژگان کلیدی: ماهیت، الکل، فقه، خمر، مسکر

مقدمه

فقه که عهده‌دار پاسخ‌گویی در حوزه احکام شریعت است، از ابتدای پیدایش تاکنون، همواره با موضوعات جدیدی روبه‌رو بوده است. امروزه با گسترش علوم و فن‌آوری‌های جدید، پرسش‌های فراوانی پیش‌روی فقه قرار گرفته است. تبیین این موضوعات جدید، نیازمند توجه به دو بعد حکمی و موضوعی آن است، زیرا تا زمانی که موضوع حکم شرعی به‌خوبی شناخته نشود، تطبیق قواعد و اصول فقهی بر آن ممکن نخواهد بود. بنابراین، «موضوع‌شناسی» به معنای آگاهی و شناخت کافی از تمامی ابعاد و جوانب موضوع به منظور یافتن حکم شرعی آن، یکی از الزامات استنباط احکام است.

یکی از مسایل جدید که نیازمند بررسی موضوع‌شناسی فقهی است، مسأله «الکل و فراورده‌های الکلی» است، زیرا امروزه الکل یکی از پرکاربردترین مواد شیمیایی در زندگی بشر به‌ویژه در بخش بهداشتی و پزشکی، دارویی و مواد غذایی به‌شمار می‌آید. امروزه الکل به دلیل کاربرد گسترده‌ای که یافته است به یکی از مسایل مبتلابه اقبال مختلف جامعه، اعم از تولیدکنندگان، صنعت‌گران، پزشکان، پرستاران، دانشجویان و سایر افرادی که به جهات مختلف با الکل و فراورده‌های الکلی سر و کار دارند تبدیل گردیده است. از مهم‌ترین چالش‌های فقهی در این باره، بحث طهارت و نجاست الکل و حرمت و حلیت به کارگیری آن در ترکیبات محصولات مختلف دارویی، غذایی و بهداشتی و ... است که دیدگاه‌های متعددی در مورد آن وجود دارد:

۱- برخی از فقها مانند آیت‌الله حکیم (۱) و منتظری (۲) با اعتقاد به مسکر بودن الکل و بر مبنای نجاست مسکرات، بر این باورند که الکل ماده‌ای مست‌کننده و نجس است.

۲- برخی دیگر از فقها مانند آیت‌الله فاضل لنکرانی (۳) و مکارم شیرازی (۴)، الکل را بالفعل مست‌کننده نمی‌دانند و به همین جهت به طهارت آن فتوا داده‌اند.

۳- برخی از فقها مانند امام خمینی (۵) نیز بدون آن‌که به مسکر بودن و نبودن الکل تصریح نمایند، تشخیص آن را به عهده خود مکلف گذاشته و این‌گونه فتوا داده‌اند: الکل اگر مصداق مسکر مایع بالاصاله باشد نجس، و در غیر این صورت، محکوم به طهارت می‌باشد.

۴- برخی فقها مانند آیه‌الله گلپایگانی (۶) با توجه به فرایند تولید الکل، آن را برگرفته از «خمر» دانسته و با اعتقاد به عدم تحقق استحاله در آن، اجتناب از آن را لازم دانسته‌اند.

۵- برخی دیگر از فقها مانند شهید صدر (۷)، الکل‌های رایج طبی و صنعتی را نه مصداق «خمر» و نه برگرفته از آن می‌دانند.

اختلافات فوق نشان می‌دهد که هنوز در بین فقها در مورد ابعاد موضوع‌شناختی این مسأله اتفاق نظر وجود ندارد و صرف نظر از اختلاف در مبانی فقهی، درک متفاوت از ماهیت الکل نیز سبب شده است که در مورد حکم طهارت و نجاست آن دیدگاه‌های متفاوتی مطرح گردد. به‌نظر می‌رسد بسیاری از این اختلاف نظرها می‌تواند از طریق پژوهش‌های موضوع‌شناسانه و با بررسی و تأمل بیشتر در مفهوم‌شناسی «مسکر» و «خمر» و رابطه آن‌ها با بحث الکل برطرف شود.

بیشتر پژوهش‌هایی که در باب الکل و فراورده‌های الکلی در دسترس است، به جنبه‌های حکمی و فقهی این مسأله پرداخته و ابعاد موضوع‌شناختی این مسأله را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. (۸؛ ۹) با توجه به اهمیت این موضوع، و با نظر به کاستی‌های پژوهشی که در این زمینه وجود دارد، پژوهش حاضر - بدون آن‌که به مباحث حکمی و مبانی فقهی ورود پیدا کند - درصدد است به شیوه‌ای توصیفی - تحلیلی، ماهیت الکل و نسبت آن با دو مفهوم «خمر» و «مسکر» را مورد بررسی قرار دهد.

بر این اساس، پرسش اصلی آن است که کدام یک از انواع الکل، مصداق «خمر» و «مسکر» محسوب می‌شوند؟ فرضیه اولیه این است که متانول و اتانول چه به صورت سنتزی تولید شوند و چه از طریق تخمیر مواد قندی به دست آیند، مصداق «خمر» نیستند و احکام «خمر» بر آن‌ها جاری نیست. هم‌چنین هیچ‌کدام از آن‌ها مست‌کننده نیستند، بلکه مصرف آن‌ها عوارض نامطلوبی غیر از مستی ایجاد می‌کند.

به منظور بررسی فرضیه فوق، ابتدا ماهیت الکل تبیین می‌شود، سپس مفهوم‌شناسی «خمر» و «مسکر» و ارتباط آن‌ها با هر یک از انواع الکل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. موضوع‌شناسی الکل

الکل ماده‌ای شیمیایی است که توسط محمد بن زکریای رازی از راه تقطیر شراب کشف شد. وی برای اولین بار به وجود ماده‌ای در شراب پی برد که به سرعت تبخیر می‌شود و دارای خاصیتی شعفاور است (۱۰). نام اولیه این ماده در عربی «الغول» بوده که در متون بعدی «الکحل» نامیده شده است. (۱۱) نام دیگر الکل در زبان عربی «اسبرتو» یا «سبیرتو» است که معرب واژه لاتینی «spirit» یعنی روح می‌باشد (۱۲). نامیدن الکل در عربی به «الکحل» به معنای جوهر یا ماده اثرگذار و به «اسپیریت» به معنای روح شراب یا جوهر شرابی به این دلیل است که الکل همان ماده اصلی اثرگذار در شراب است که خاصیت مستی‌آوری دارد (۱۳).

از نظر علم شیمی، الکل از مشتقات هیدروکربن‌هاست که هر

طبیعی تولید می‌شود. به اتانولی که به این شیوه تولید می‌شود «بیو اتانول» نیز می‌گویند. این نوع اتانول در کارخانه‌های الکحل‌سازی از تخمیر قند موجود در بعضی محصولات کشاورزی مانند چغندر قند، نیشکر و ذرت، سپس تقطیر شربت الکلی حاصل از تخمیر به دست می‌آید. اتانول مصنوعی نیز از تبدیل مواد پایه نفتی در کارخانه‌های پتروشیمی و به روش هیدراسیون (احیای غیرمستقیم یا مستقیم) گاز اتیلن تولید می‌شود (۱۸).

– بر اساس کاربرد اتانول، دو نوع اتانول طبی و اتانول صنعتی از یک‌دیگر قابل تفکیک است. اتانول طبی به الکلهایی اطلاق می‌شود که بیش‌تر در مصارف پزشکی و کاربردهای ضدعفونی‌کنندگی استفاده می‌شود. از این نوع الکحل در صنایع غذایی و دارویی و بهداشتی نیز استفاده می‌شود. درجه الکحل طبی معمولاً ۹۶ درجه یا ۹۹/۵ درجه است و در برخی موارد نیز از الکحل ۷۰ درجه استفاده می‌شود. الکحل طبی به دلیل آن که به مصارف خوراکی و دارویی می‌رسد، فاقد ناخالصی‌های زیان‌آور است. تنها ماده تلخ‌کننده‌ای به نام «دنا تونیوم بنزوات» با نام تجاری «بیتراکس» به جهت جلوگیری از مصارف خوراکی به آن افزوده می‌شود.

اتانول صنعتی نیز نوعی از اتانول است که صرفاً کاربرد صنعتی دارد و به دلیل ناخالصی‌های موجود در آن در مصارف خوراکی استفاده نمی‌شود. این نوع الکحل به دلیل وجود ناخالصی‌های سمی و همچنین به دلیل غلظت بالای آن ماده‌ای سمی است و پیش از آن که بخواهد در فرد حالت مستی ایجاد کند، سم و مهلک است. البته ممکن است استثنائاتی نیز وجود داشته باشد و برخی از افراد معتاد به الکحل که بدن آنان به سموم عادت کرده است آن را به جای مشروب الکلی استفاده کنند، اما این حالت بسیار نادر است و متعارف نیست، علاوه بر این که در همین موارد نیز باید الکحل را با مقادیر زیادی آب مخلوط نمود تا بتوان از آن به عنوان یک نوشیدنی استفاده نمود (۱۳).

۲. مفهوم‌شناسی «خمر» و نسبت آن با الکحل

به دلیل مستحدثه بودن موضوع الکحل، نمی‌توان حکم شرعی آن را به طور صریح در منابع دینی (آیات و روایات) یافت، بلکه باید با بهره‌گیری از اصول و قواعد اجتهادی، حکم آن را از نصوص دینی استنباط نمود. روایات مربوط به احکام «خمر» و «مسکر» دو دسته از روایاتی است که برای استنباط حکم الکحل و فراورده‌های الکلی در فقه مورد استناد واقع شده است. بنابراین لازم است نسبت و رابطه الکحل با این مفاهیم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مولکول آن، ترکیبی از چند اتم هیدروژن و کربن می‌باشد و در نهایت، یک عامل هیدروکسیل (OH) جانشین یک اتم هیدروژن می‌گردد. بر اساس تعداد عامل (OH)، الکلهای را یک یا چند ظرفیتی می‌گویند (۱۴). بنابراین، فرمول ساختمانی همه الکلهای مشابه است و از نظر شرکت در واکنش‌های شیمیایی به یکدیگر شباهت دارند. فرمول الکلهای به صورت R-OH نمایش داده می‌شود. R ممکن است گروه آلکیل نوع اول، نوع دوم یا نوع سوم باشد. به این ترتیب، الکلهای را نیز به نوع اول، نوع دوم و نوع سوم طبقه‌بندی می‌کنند (۱۵؛ ۱۶). نوع اول (متیل الکحل یا متانول) و نوع دوم (اتیل الکحل یا اتانول) ترکیباتی کاملاً شناخته شده هستند:

الف) متانول

متانول غالباً با عنوان الکحل چوب شناخته می‌شود (۱۷). متانول، مایعی سبک، فرار، بدون رنگ، بدون بو و قابل اشتعال است و کاملاً سمی است. به همین دلیل، به هیچ وجه مصرف نوشیدنی ندارد و حتی افرادی که معتاد به الکحل می‌باشند اگر حجم کمی از آن را مصرف کنند عوارض بسیار جدی به دنبال خواهد داشت. خوردن این ماده به خاطر سمی بودن، ایجاد سوزش در بافت غشایی دهان و گلو می‌کند؛ بر دستگاه عصبی اثر گذاشته و سبب تهوع، کوری و حتی مرگ می‌شود. برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که مصرف ۳۰ میلی‌لیتر آن، باعث مرگ گردیده است. بنابراین، متانول به دلیل سمی بودن آن، نوشیدنی نیست اما کاربرد زیادی در صنعت دارد و به همین جهت الکحل صنعتی نیز نامیده می‌شود (۱۸).

ب) اتانول

اتانول با نام الکحل میوه شناخته می‌شود. اتانول مایعی است فرار، شفاف، قابل اشتعال و با بوی مشخص که با هر نسبتی با آب ترکیب می‌شود، به آسانی می‌سوزد و بر اثر احتراق آن، آب و گاز کربنیک تولید می‌شود. این نوع الکحل، در غلظت و خلوص بالا قابل نوشیدن نیست، اما در صورتی که به نسبت معینی با مایعات دیگر مانند آب یا آبمیوه ترکیب شود و غلظت آن کاهش یابد، قابل نوشیدن و مست‌کنندگی است (۱۳). به همین جهت در ترکیبات نوشیدنی‌های الکلی، درصدهای مختلفی از این ماده وجود دارد. در صنایع دارویی، غذایی، آرایشی و بهداشتی از این ماده استفاده می‌شود. این نوع الکحل برحسب شیوه تولید و کاربرد آن انواع مختلفی دارد:

– بر اساس شیوه تولید، دو نوع اتانول طبیعی (تخمیری) و اتانول مصنوعی (سنتزی) وجود دارد. اتانول طبیعی به روش بیوتکنولوژی (زیست‌فناوری) از مواد اولیه گوناگون با منشأ

تقطیر، الکلی که برای اولین دفعه به دست می‌آید تقریباً الکل ۸۰ تا ۹۰ درجه است» (۱۳)

بنابراین، الکل‌های تخمیری از نگاه ایشان همان بخارات «خمر» می‌باشد که به صورت مایع درآمد است. بر همین مبنا یکی از دیگر از پژوهشگران حوزه فقه، در تطبیق «خمر» بر الکل تخمیری تصریح می‌کند:

«ماده اولیه در الکل، مواد قندداری مانند انگور، کشمش و ... است که با تخمیر آن‌ها شراب به دست می‌آید. سپس شراب را در ظروف خاصی ریخته حرارت می‌دهند و چون دمای جوش الکل پایین‌تر از آب است زودتر تبخیر می‌شود و به حالت گازی درمی‌آید. آن‌گاه بخارات الکل را به لوله‌هایی در مجاورت هوای سرد هدایت می‌کنند تا تقطیر شود و به حالت میعان درآید. بالاخره قطرات الکل از مجرای لوله به ظرف دوم هدایت می‌شود و بدین ترتیب ذرات الکل از شراب جدا می‌گردد» (۸).

بر این اساس، چنین تصویری وجود دارد که همه الکل‌های تخمیری از تقطیر «خمر» به دست می‌آیند، پس نجس هستند.

دیدگاه دوم: دیدگاه تفصیلی

در الکل‌های تخمیری لازم است بین الکل شراب و سایر الکل‌های تخمیری تفاوت گذاشته شود:

- الکل شراب: الکلی که از تخمیر قند موجود در انگور و سپس تقطیر آن به دست می‌آید. در این مورد، از دیدگاه برخی فقها مانند آیه‌الله گلپایگانی (۶) که تقطیر شراب را مصداق استحاله نمی‌دانند عنوان «خمر» بر آن قابل تطبیق است. پس این الکل‌ها نجس هستند.

- سایر الکل‌های تخمیری: بسیاری از اتانول‌های رایج طبی و صنعتی از موادی غیر انگور ساخته می‌شوند، زیرا تولید الکل از شراب به لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نیست. امروزه در صنعت الکل‌سازی رایج از موادی مانند ملاس چغندر قند یا نیشکر یا ذرت برای تولید الکل استفاده می‌شود. بنابراین، این نوع الکل‌ها نمی‌توانند مصداق «خمر» شرعی یا برگرفته از شراب محسوب گردند و در عرف مردم نیز به آن «خمر» اطلاق نمی‌شود، پس نجس نیستند.

شهید صدر از فقهای است که در تطبیق عنوان «خمر» بر الکل‌های تخمیری، این تفاوت را قائل شده است. ایشان در بحث از طهارت و نجاست مسکرات مایع، با ورود به مباحث موضوع‌شناسی به خوبی بین انواع الکل تخمیری تفکیک نموده است:

در مورد خمر، دیدگاه مشهور در فقه این است که «خمر» یکی از نجاسات است (۱۹). بر این اساس، اگر الکل هم از مصادیق «خمر» به‌شمار آید همانند «خمر»، نجس خواهد بود. اما در مورد مفهوم «خمر» بین فقها دو دیدگاه کلان وجود دارد:

دیدگاه اول: از نظر برخی فقها مانند محقق حلی (۲۰)، فخر المحققین (۲۱)، فاضل مقداد (۲۲)، مقدس اردبیلی (۲۳)، شیخ بهایی (۲۴)، محقق نراقی (۲۵)، سید محمد مجاهد (۲۶)، منتظری (۲۷) هر گونه مسکری را می‌توان حقیقتاً «خمر» نامید و در استنباط احکام آن به ادله مربوط به «خمر» استناد نمود.

دیدگاه دوم: بر طبق دیدگاه برخی فقها مانند شیخ مفید (۲۸)، شیخ الشریعۀ اصفهانی (۲۹) و شهید صدر (۷) مفهوم «خمر» فقط به شراب انگور اختصاص دارد.

طبق دیدگاه اول که «خمر» به معنای مطلق «مسکر» است، بحث از رابطه الکل و «خمر» در واقع به رابطه الکل و «مسکر» برمی‌گردد که در مفهوم‌شناسی «مسکر» بررسی خواهد شد. طبق دیدگاه دوم که «خمر» به معنای شراب تهیه شده از انگور است، نسبت «خمر» با انواع الکل این‌گونه است:

الف) تفاوت خمر و الکل‌های سنتزی

فقها در مورد «خمر» نبودن متانول و اتانول سنتزی اتفاق نظر دارند، همان‌گونه که برخی از فقهای معاصر مانند شهید صدر بیان نموده‌اند الکل‌هایی که به شیوه سنتزی و بر پایه فرآورده‌های نفتی تولید می‌شوند - اعم از متانول و اتانول - قطعاً نمی‌توانند مصداق «خمر» (به معنای شراب انگور) باشند، زیرا این نوع الکل‌ها از مواد اولیه آلی مانند نفت، گاز طبیعی و زغال سنگ به دست می‌آیند و با «خمر» شرعی که از آب انگور تولید می‌شود تفاوت ماهوی دارند (۷). بنابراین، این گونه الکل‌ها نجس نیستند.

ب) تفاوت خمر و الکل‌های تخمیری

در مورد «خمر» بودن یا نبودن الکل‌های تخمیری سه دیدگاه مطرح شده است:

دیدگاه اول: خمر بودن الکل‌های تخمیری:

در مورد تطبیق مفهوم «خمر» بر الکل‌هایی که به شیوه تخمیر مواد قندی به دست می‌آیند، برخی مانند دکتر صبور اردوبادی، چنین تصور کرده‌اند که این نوع الکل‌ها به دلیل آن‌که ماده اولیه آن‌ها را «خمر» تشکیل می‌دهد، مصداق «خمر» به‌شمار می‌آیند:

«در کارخانه‌های تولید الکل، «خمر» را در دیگ‌ها و دستگاه‌های تقطیر بزرگی که ظرفیت دو یا سه تن و بالاتر را دارند، ریخته و تقطیر می‌کنند، در ظرف دیگری دستگاه

تخمیری لازم است بین الکل شراب و سایر الکل‌های تخمیری تفاوت گذاشته شود. در بین انواع الکل‌ها، تنها الکل شراب است که از نظر فقهی می‌تواند مصداق «خمر» باشد و ادله حرمت و نجاست «خمر» در مورد آن تطبیق داده شود، اما الکل‌های تخمیری رایج، مصداق «خمر» نیستند و مشمول ادله نجاست «خمر» نمی‌باشند، پس الکل‌هایی که در مصارف طبی و صنعتی به کار می‌روند نجس نمی‌باشند.

۳. مفهوم‌شناسی «مسکر» و رابطه آن با الکل

یکی از موضوعاتی که فهم آن در شناخت صحیح حکم الکل و فراورده‌های الکی بسیار تأثیرگذار است، موضوع «مسکر» است. مسکرات در فقه دارای احکام تکلیفی (حرمت) و وضعی (نجاست) می‌باشند. از نظر حکم تکلیفی آن چه موجب بروز مستی در انسان گردد، مصرف آن در حالت اختیار به صورت کم یا زیاد و به صورت خالص یا مخلوط با داروها و خوراکی‌ها حرام می‌باشد (۳۱). از نظر حکم وضعی (نجاست) نیز همه نوشیدنی‌هایی که اصالتاً مایع باشند و موجب مستی گردند بنابر قول مشهور نجس می‌باشند (۱۹). پس مسکرات در نزد فقها نجس و حرام می‌باشند (۱۹). بر این مبنا، اگر الکل هم از مصادیق مسکرات به‌شمار آید، بی‌تردید مشمول ادله حرمت و نجاست مسکرات خواهد بود.

کلمات فقها در معنای مسکر و تعریف حالت مستی با یکدیگر متفاوت است و هر کدام نشانه خاصی را برای آن بیان نموده یا تشخیص آن را به عرف واگذار کرده‌اند. از منظر فقهی، مسکر آن چیزی است که می‌تواند سبب بروز حالت مستی در انسان گردد (۱۹). اما در متون فقهی، تعریف جامع و ضابطه‌ای معین برای سکر (مستی) بیان نشده و معیارهای مختلفی مانند «زوال عقل»، «نقص عقل»، «سستی در اعضا»، «سرخوشی» در عبارات فقها ذکر شده است:

۱- بسیاری از فقها مانند شیخ مفید در تعریف سکر (مستی) بر این باورند که حالت مستی ملازم با تغییر عقل یا نقص عقل می‌باشد و از نظر رفتاری و روانی با نشانه‌های خاصی همراه است:

انسان آن چه را در حالت هوشیاری زشت می‌داند، نیکو بشمارد و آن چه را در حالت هوشیاری نیکو می‌داند زشت به حساب آورد. بنابراین، اگر فردی در حالت عادی دارای آرامش و سکون نفس است ولی با خوردن مسکر از آن حالت خارج شود و به لهویات بپردازد مست محسوب می‌شود (۲۸).

۲- برخی فقها مانند سید مرتضی سستی در اعضا را که همراه با طرب و سرخوشی باشد نشانه مستی دانسته است (۳۲).

۳- برخی فقها مانند شهید اول (۳۳) و مولی احمد نراقی (۳۴)

«الکل‌هایی که از شراب گرفته می‌شود با الکل‌هایی که در طب استفاده می‌شود متفاوت است. الکی که مصرف آن در طب متعارف است، بر خلاف الکل شراب که در نزد اهل فسق و فجور مرسوم است، از «خمر» گرفته نمی‌شود و مصداق آن به حساب نمی‌آید (۷).

دیدگاه سوم: خمر نبودن الکل‌های تخمیری

برخی از فقها مانند آیت‌الله خویی (۳۰)، الکل‌های حاصل از شراب را هم مصداق «خمر» ندانسته‌اند، زیرا چنین تصور کرده‌اند که «خمر» در فرایند تبدیل شدن به الکل و پس از عمل تقطیر، دچار استحاله شده و الکل برگرفته از آن، ماهیت و حقیقتی متفاوت با «خمر» دارد پس نجس نیستند:

«الکی که از «خمر» گرفته می‌شود و از آن به «جوهر خمر» تعبیر می‌شود و از راه تبخیر «خمر» و گرفتن عرق آن به دست می‌آید نیز محکوم به نجاست نیست، زیرا تبخیر موجب استحاله می‌شود و مقتضای طهارت خواهد بود... بنابراین، مقتضای قاعده، طهارت الکل است، زیرا الکل در نزد عرف، «خمر» نیست و حقیقتاً نیز «خمر» نیست، زیرا استحاله شده است» (۳۰).

بر اساس این دیدگاه، عنوان «خمر» در نظر عرف بر هیچ‌یک از انواع الکل‌های تخمیری - الکل شراب و غیر شراب - قابل تطبیق نیست و نمی‌توان احکام «خمر» را در مورد آن‌ها سرایت داد؛ بنابراین، تمامی الکل‌ها - بدون فرق بین انواع آن - همگی از عنوان خمر بودن خارج هستند و نجس نیستند.

بررسی دیدگاه‌ها

اشکال دیدگاه اول آن است که اگر «خمر» را به معنای شراب تهیه شده از انگور بدانیم چنین تعمیمی که همه الکل‌های تخمیری، خمر هستند صحیح نیست، زیرا بسیاری از الکل‌های تخمیری (اتانول‌های طبی و صنعتی) از غیر انگور ساخته می‌شوند، پس این نوع الکل‌ها نمی‌توانند مصداق «خمر» شرعی محسوب گردند.

دیدگاه سوم هم صحیح نیست، زیرا تبخیر «خمر» و الکل حاصل از میعان بخارات «خمر»، به معنای استحاله آن نیست و موجب تحول در حقیقت آن نمی‌شود، بلکه همان گونه که شهید صدر تصریح نموده است، در فرایند تقطیر شراب، استحاله‌ای صورت نمی‌گیرد بلکه فقط جزء اصلی آن که اتانول است جدا می‌گردد. بنابراین، الکل حاصل از «خمر» همچنان در نزد عرف آگاه، از مصادیق «خمر» محسوب می‌شود (۷).

بنابراین، دیدگاه دوم صحیح است که در بین الکل‌های

دارد و احکام شرعی بر اولین درجه مستی یا مقدمات آن مترتب می‌باشد. (۲۹)

ثانیاً: در شرع برای تعیین مصداق مسکرات باید حال خفیف‌ترین افراد از نظر بروز مستی را در نظر گرفت، زیرا خداوند مستی را علت حرمت و نجاست قرار داده است بدون آن‌که بین درجه قوی یا ضعیف آن تفاوت بگذارد و این حالت به محض نوشیدن یا زیاد نوشیدن مسکر برای مزاج همه یا بیش‌تر افرادی که آن را مصرف می‌کنند ایجاد می‌شود؛ حتی اگر بعضی افراد از مزاج نادر برخوردار باشند باز هم حکم مسکر در مورد آنان جاری است و خداوند آن را از جهت ریشه‌کن کردن ماده فساد مطلقاً حرام نموده است (۳۵).

امام خمینی در این باره تصریح می‌کند:

اگر عدم اسکار چیزی در مورد برخی از طبیعت افراد یا نسبت به برخی از مناطق یا به دلیل اعتیاد به مصرف، ثابت شود دلیلی بر عدم حرمت آن نیست (۳۸).

پس از آن‌که مفهوم «مسکر» در فقه تبیین گردید و مشخص شد که از نظر فقهی هر ماده‌ای موجب درجات خفیف مستی شود «مسکر» محسوب می‌شود، می‌توان به تعیین مصادیق آن پرداخت و مشخص نمود که آیا الکل نیز از مصادیق مسکرات محسوب می‌شود یا خیر.

مسأله مسکر بودن یا نبودن الکل در بین فقه‌های شیعه مسأله‌ای اختلافی است و به لحاظ موضوعی بر مستی‌آوری الکل، اتفاق نظر وجود ندارد و در مورد تطبیق عنوان «مسکر» بر الکل، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد:

دیدگاه اول: عدم مسکر بودن الکل

بسیاری از فقها مانند شهید صدر (۷)، آیه‌الله تبریزی (۳۹)، فاضل لنکرانی (۳)، مکارم شیرازی (۴۰)، بجنوردی (۳۷) الکل را از سموم قاتله دانسته و بر این باورند که هیچ‌یک از انواع الکل‌ها بالفعل (به‌تنهایی و بدون مخلوط شدن با آب و کاهش غلظت آن) «مسکر» نیستند و نمی‌توان احکام «مسکر» را بر آن‌ها بار نمود. بنابراین، چیزی که «مسکر» فعلی نیست تا زمانی که تبدیل به «مسکر» نشده باشد پاک است (۳۹). طبق این دیدگاه، الکل‌هایی که در بازار وجود دارد پاک هستند، زیرا مسکر مایع بالاصاله محسوب نمی‌شوند (۴۱).

طبق این دیدگاه، اتانول به صورت خالص و مطلق، مست‌کننده نیست، بلکه ماده‌ای سمی و کشنده محسوب می‌شود؛ اما اگر درجه الکلی آن به نسبت معینی کاهش داده شود می‌تواند «مسکر» باشد. شهید صدر بر همین مبنا معتقد است که متانول ماده‌ای سمی و کشنده است و تصریح می‌کند:

آن‌چه عقل را تغییر می‌دهد و موجب سرخوشی در فرد می‌گردد مسکر می‌داند.

۴- برخی فقها مانند محمدحسن نجفی (۱۹) بدون آن‌که برای شناخت مستی نشانه‌ای ذکر کنند، تشخیص آن را به عهده عرف نهاده و صدق عرفی را معیار تحقق عنوان مسکر دانسته‌اند.

۵- در بین فقها، وحید بهبهانی بیان جامعی در معنای مستی دارد که با یافته‌های علمی در باب الکل و تأثیرات آن بر روان و رفتار انسان مطابقت دارد. از نگاه ایشان در برخی موارد، عقل فرد مصرف‌کننده مشروبات، جز به اندازه اندکی مختل نمی‌شود و سخنان و حرکات او منسجم و منظم است. بنابراین، کم اتفاق می‌افتد که اختلال عقل در مورد آنان به وجود آید، اما با این حال، همین حالت را نیز به مستی او نسبت می‌دهند. هم‌چنین شراب‌ها در ایجاد حالت مستی تفاوت دارند و برخی از شراب‌ها مستی بسیار اندکی به وجود می‌آورند (۳۵، ۳۶) ایشان با اشاره به مراحل مختلف مستی، چنین تصریح می‌کند که بر اثر مصرف نوشیدنی‌هایی که مست‌کننده هستند و عقل را زایل می‌کنند، زوال عقل یکباره اتفاق نمی‌افتد، بلکه انسان در ابتدا احساس تغییر و دگرگونی می‌کند و پیوسته این حالت بیش‌تر می‌شود تا این‌که عقل به کلی زائل گردد. بدون شک این تغییر، مستی محسوب می‌شود و اولین درجه ضعیف آن است. اما شارع به خوردن چیزی که سبب بروز این مقدار کم از مستی شود نیز راضی نیست. ... بنابراین، معیار در این جا صدق عرفی نیست بلکه باید به تأثیرات شراب توجه نمود؛ هر چند تأثیرات آن ضعیف باشد و احتمالاً کم‌ترین اثر را در بر داشته باشد (۳۶). ایشان بر این مبنا چنین نتیجه می‌گیرند:

اولاً: مستی دارای مراتبی است که به نوع مسکر، حال فرد مصرف‌کننده و میزان مصرف متفاوت می‌شود و مجرد سرخوشی ناشی از مصرف الکل در تحقق مستی کفایت می‌کند و هر گونه تغییر از حالت طبیعی به سمت سرخوشی به مفهوم مستی است (۳۵). بسیاری از فقه‌های معاصرمانند بجنوردی (۳۷) نیز همین دیدگاه متأخرین را در باب مراتب مستی پذیرفته و بر این باورند که مفهوم مسکر شرعی شامل اولین درجه خفیف مستی نیز می‌گردد و هر گاه چیزی برای برخی از افراد به این اندازه مست‌کننده بود نسبت به سایرین نیز حکم مسکر را دارد. شیخ الشریعه اصفهانی نیز بر این باور است که مسکر هر آن چیزی است که مصرف آن سبب پوشیده شدن عقل می‌گردد و همراه با سرخوشی و گرم شدن بدن است و حالت مستی مراتب مختلفی

«تا آن جایی که می‌دانیم اسبیرتو همان الکلی است و با فرض این که مسکر است نجس می‌باشد؛ همان گونه که کارشناسان و اهل فن این گونه می‌گویند» (۴۳).

بر همین مبنا ایشان در مورد الکلی‌هایی که در برخی از داروها وجود دارد بر این عقیده است:

«اگر عدم اسکار الکلی، نه به دلیل تحقق استحاله بلکه به دلیل ترکیب آن با بقیه عناصر دارو و کم شدن درجه آن باشد، بر نجاست خود باقی است و با هر چه مخلوط شود - کم باشد یا زیاد - آن را نجس می‌کند» (۴۳).

آیت‌الله منتظری اتانول را مسکر می‌داند:

الکلی اتیلیک ماده مست‌کننده‌ای است که در همه مشروبات الکلی اعم از شراب، عرق، ویسکی، ودکا و مانند این‌ها به نسبت وجود دارد؛ پس طبعاً مصداق مسکر مایع بالاصاله است و اگر فرضاً بر آن چیزی اضافه کنند که مانع از شرب آن شود، باز حکم نجاست آن باقی است (۲).

بررسی دیدگاه‌ها

به منظور بررسی مسکر بودن الکلی‌ها یا گرفتن آن‌ها از مسکرات، لازم است به این پرسش پاسخ داده شود که چگونه می‌توان به وجود صفت اسکار (مستی‌آوری) در یک ماده پی برد:

۱- برخی فقها مانند شیخ الشریعه اصفهانی اظهار کرده‌اند در مواردی که یقین به مسکر بودن ماده‌ای وجود دارد احکام شرعی آن نیز جاری می‌شود، اما در مصادیق مشکوک، حکم به مسکر بودن چیزی مشروط به بیان شرعی (آیات و روایات) است یا به تجربه و در اثر تکرار استعمال باید ثابت شود (۲۹).

۲- برخی فقها مانند محمدحسن بجنوردی بر این باورند که تشخیص مسکر بودن یا نبودن چیزی از وظایف فقیه نیست بلکه در این گونه موارد باید به اهل خبره رجوع نمود (۳۷).

در بیان شرعی (روایات) نام برخی از مسکرات رایج و شایع آن زمان آمده و بر مسکر بودن آن‌ها تصریح شده است. در برخی روایات، پنج نوع مسکر به نام‌های «عصیر»، «نقیع»، «بتع»، «مرز» و «نبیذ» ذکر شده که به ترتیب از انگور، کشمش، عسل، جو و خرما گرفته می‌شود و بر هر یک از آن‌ها عنوان «خمر» اطلاق شده است (۴۴). اما الکلی از مواردی است که مسکر بودن یا نبودن آن در بیان شرعی ذکر نشده است. بنابراین، با استناد به تجربه عرفی و یافته‌های علمی می‌توان بررسی نمود کدام یک از انواع الکلی و با چه شرایطی می‌تواند سبب بروز مستی در انسان گردد. تمام فقهایی که در مورد حکم الکلی نظر داده‌اند، مسکر بودن یا نبودن آن را نه بر اساس دلیل شرعی یا تجربی، بلکه بر

«الکلی‌های برگرفته از چوب (متانول) مسکر نیستند، بلکه سم کشنده محسوب می‌شوند ... بنابراین، چنین الکلی‌هایی اساساً مستی‌آور نیستند تا حکم به طهارت آن‌ها استثناً از حرمت مسکرات محسوب شود، زیرا حالت سُکر همان مرتبه ضعیف از سمیت است که در الکلی‌های تک عاملی، در حالت توازن بین نسبت آب و کربن ایجاد می‌گردد» (۷).

در مورد اتانول نیز معتقد است که در نوع خالص آن که با آب یا مایعات دیگر مخلوط نشده است، سمیت آن در درجات بسیار بالا قرار دارد و اگر درجه الکلی آن در اثر ترکیب با ماده‌ای دیگر کاهش یابد ممکن است عنوان «مسکر» را بر آن تطبیق داد:

«الکلی‌های تک عاملی، از سمیت خفیفی برخوردارند و موجب بروز حالت مستی می‌گردند. این الکلی‌ها مشتمل بر کربن هستند و به اندازه‌ای که کربن آن‌ها افزایش یابد، سمیت آن‌ها نیز افزایش می‌یابد؛ همان گونه که اگر عامل کربن کاهش یابد، باز هم موجب مسمومیت می‌شود، زیرا سیال بودن زیاد آن باعث انتشار در جسم و مسمومیت آن می‌شود. بنابراین، اگر مقدار کربن در الکلی بیش از حد یا کمتر از حد باشد، سم محسوب می‌شود و اگر در حد وسط باشد کشنده نیست، بلکه موجب مستی خواهد شد» (۷).

آیت‌الله خویی مبنایی را مطرح کرده‌اند که الکلی را حتی بر فرض مسکر بودن، از شمول ادله فقهی مسکرات خارج می‌نماید. ایشان انواع الکلی را به این دلیل که یا اصلاً قابل نوشیدن نیستند یا نوشیدن آن متداول نیست، از مسکرات متعارف به‌شمار نیآورده و ادله حکم مسکرات را از این نوع مسکرات، منصرف دانسته است (۳۰، ۴۲).

بنابراین طبق دیدگاه مشهور فقها می‌توان گفت هیچ یک از انواع الکلی‌های طبی و صنعتی، «مسکر» نیستند و مشمول ادله نجاست مسکرات نمی‌گردند. اما تمامی الکلی‌های طبی اگر با نسبت معینی از آب مخلوط شده و درجه الکلی آن کاهش یافته است، «مسکر» می‌باشند.

دیدگاه دوم: مسکر بودن الکلی

برخی از فقها مانند آیه‌الله گلپایگانی (۶)، اتانول را از مصادیق مسکرات دانسته و احکام «مسکر» را بر آن جاری دانسته‌اند. سید محسن حکیم الکلی را از مصادیق مسکرات دانسته و حکم به نجاست آن داده است (۱). محمدسعید حکیم، از فقهای معاصر نیز در پاسخ به این سؤال که آیا اسبیرتو، همان الکلی است و آیا پاک می‌باشد؟ چنین پاسخ داده است:

اسکار (مست‌کنندگی) در آن لازم است مقدار معینی از آن با مواد دیگر ترکیب شود.

د) در فرایند تولید اتانول به شیوه تخمیری، تا زمانی که الکل خالص (۹۶ درجه) به دست نیاید، هیچ گونه مایع مسکری به وجود نمی‌آید. بنابراین تصور این که الکل‌های تخمیری از مایع مست‌کننده به دست می‌آیند تصوری بر خلاف یافته‌های علمی است.

نتیجه‌گیری

۱. الکل‌های رایج طبی و صنعتی، چه از طریق شیمیایی تولید شوند و چه از طریق تخمیر مواد قندی به دست آیند، مصداق «خمر» شرعی نیستند و احکام نجاست و حرمت «خمر» بر آن‌ها جاری نیست؛ اما الکل شراب که از تخمیر آب انگور و سپس تقطیر آن به دست می‌آید اگر مصداق استحاله نباشد، عنوان «خمر» بر آن منطبق خواهد بود.

۲. متانول و اتانول صنعتی هیچ کدام مست‌کننده نیستند و مصرف آن‌ها، عوارض نامطلوبی غیر از مستی ایجاد می‌کند. اتانول خالص یا مطلق، نیز از نظر علمی و تجربه عرفی ماده‌ای سمی است که برای مصرف خوراکی و تحقق اسکار در آن لازم است مقدار معینی از آن با مواد دیگر ترکیب شود. به تعبیر دیگر، هر چند اتانول خالص یا مطلق، ماده اولیه مشروبات الکلی را شکل می‌دهد و قابلیت دارد که با ترکیب شدن با سایر مایعات به مسکر تبدیل شود، اما بالفعل (به‌تنهایی) از مسکرات محسوب نمی‌گردد.

مبنای نظر عرف و اهل خبره پذیرفته‌اند. جالب این که هر دو گروه از قائلین به مسکر بودن و نبودن الکل در این باره به آرای اهل خبره تمسک کرده‌اند. اما بر اساس یافته‌های علمی مستند و معتبر می‌توان گفت:

الف) در بین انواع الکل‌ها، متانول به هیچ وجه مست‌کننده نیست و مصرف آن نه تنها سبب بروز کمترین درجه مستی یعنی نشاط و سرخوشی نمی‌شود؛ بلکه خاصیت آن به گونه‌ای است که مصرف کم‌ترین مقدار آن نیز عوارض بسیار جدی و نامطلوبی مانند کوری و مرگ به دنبال دارد (۴۵).

ب) اتانول صنعتی (۹۰ درجه) به دلیل وجود ناخالصی‌های بیش از حد استاندارد، و به دلیل ترکیبات آلی و مواد دیگری غیر از آب و الکل که در آن یافت می‌شود، ماده‌ای مسموم‌کننده است که نه بالفعل (به‌تنهایی) و نه بالقوه (ترکیب با مایعات دیگر) مست‌کننده نیست و مصرف آن سبب بروز عوارض خطرناکی خواهد شد که با حالت مستی تفاوت دارد.

ج) اتانول خالص (۹۶ درجه) هر چند ماده اولیه مسکرات (مشروبات الکلی) است، اما به دلیل غلظت بالا به تنهایی قابل نوشیدن نیست و برای آن که مست‌کننده باشد باید به نسبت معینی در ترکیبات سایر نوشیدنی‌ها قرار گیرد تا مسکر شود. به بیان دیگر، خودش بالفعل (به‌تنهایی) مسکر نیست و تا زمانی که با مواد دیگری مانند آب یا سایر مایعات مخلوط نشود و از غلظت آن کاسته نشود چنین خاصیتی در آن پدید نمی‌آید (۱۳). بنابراین، اتانول خالص یا مطلق، از نظر علمی و تجربه عرفی ماده‌ای سمی است که برای مصرف خوراکی و تحقق صفت

A Review of the jurisprudential nature of alcohol and alcoholic products

*Gholamreza Noormohammadi *¹, Abbas Emadi²*

1- Assistant Professor of Tehran University of Medical Sciences

2. Assistant Professor of Tehran University of Medical Sciences

** Corresponding author: g_noormohammadi@sina.tums.ac.ir*

Background and aim: The numerous uses of "alcohol and alcoholic products" have caused it one of the issues facing people and medical sciences, which requires jurisprudential review. From the jurisprudential point of view, everything that is intoxicating is Najis and Haram. But the issue of iscar or lack of iscar of alcohol is a matter of dispute among Shi'a jurists. Although some of this disagreement stems from the differences of jurisprudential principles and is inevitable, others are due to insufficient knowledge of the nature of alcohol. In this research, it has been attempted to explain the nature of alcohols from the jurisprudential theological point of view and its relation to the two jurisprudential titles of "Khamr" and "Mosker".

Methods: The method of study in this research is descriptive and analytical, which is done by referring to religious and scientific texts and the information obtained is categorized and analyzed.

Findings: alcohol is out of the question of religious evidence of Khamr and Mosker and they do not apply to any of the religious concepts of "khamr" or "Mosker".

Keywords: *Nature, Alcohol, Figh, Khamr, Mosker*

Reference

1. Hakim, M. Menhaj al-Salehin, ba Taalighat Sadr M. B, Beirut: Dar al-Taarof lelmatboat, 1410, Vol 1, P.149-150
2. Montazeri, H. A. Resaleh Istiftaat, Qom: Arghvan Danesh, 1388, Vol 3, P.31
3. Fazel Lankarani, M. Jame al-Masael, Qom: Entesharat Amir ghalam, 1384, Vol 2, P.82
4. Makarem Shirazi, N. Istiftaat Jadid, Qom: Madreseh Amir al-Momenin, 1427, Vol 1, P.38
5. Mousavi Khomeini, R. Tozih al-Masael, Qom: Bi na, 1426, P.303.
6. Mousavi Golpaygani, M. R. Magma al-Masael, Tahghigh: Karimi Jahromi A., Sabet Hamedani A, Niri Hamedani A, Qom: Dar al-Quran al-Karim, 2nd publication, 1409, Vol 1, P.36.
7. Sadr, M. B. Bohos fi Sharh al-Orvat al-Vosgha, Tahghigh: Hashemi M, Qom :Majma al-Shahid Ayat Allah al-Sadr al-Elmi, 2nd publication, 1408, Vol 3, p.360-363
8. Vahdati Shubairi, H. Alcol va Faravardehaye an dar Figh Islami, Qom: Pajoheshgah Ulom va Farhang Islami, 1389, P.92-93& P.29-30
9. Azaerbadegan H. A. Barresi Elmi va Fighhi Alchol va Faravardehaye an, Figh va Asol Figh Journal, Spring and Summer 81, No 31 and 32, P.250.
10. Ebn Abi Usibe A. Oyon al-Anba fi Tabaghat al-Ateba, Cairo: al-Heyat al-Mesri al-Amah lelketab, 2001, Vol 1, P.79.
11. Al-Bar M. A. al-Khamr bein al-Teb va al-Figh, Jeddah: Dar al- Saudie lelnashr va al-Tozie, 7th publication, 1406, P.92.
12. Al-Maqrebi, A. Kalemaht Alcohol be Maanie al-Sebirto, Damascus: Majaleh Majma al-Loqhat al-Arabiati be Damascus, Vol 28, 1373, P.647-651.
13. Saboor Ordobari, A. Barresi Faravardehaye Alcoli az Nazare Nejasat va Hurmat, Qom: Markaze Matboati Dar al-Tabligh, 2nd publication, 1351, P.26& P.93-97 & P.71
14. Sheykh, A. Shimi Ali (Organic), Tehran: Daneshgah Tehran, 1335, Vol 1, P.114.
15. Seyedi A. Shimi Ali, Tehran: Fatemi, 5th publication, 1378, P.163
16. Murray, J. Shimi Ali, Tarjomeh: Yavari E, Tehran: Nopardazan, 1390, 7th Ed, P.600.
17. Masterton, Slavinski, Valphor, Shimi Paye, ketab dovom, Tarjomeh: Farjod F, Tehran: Fatemi, 3rd publication, 1372, P.598.
18. Vayzermel, K. Hans-Jürgen Arpe, Shimi Ali Sanati, Tarjomeh: Soleymani Jamarani M., Zahedi M, Tehran: Sherkat Meli Sanaye Petrochimi, 1383, P.24-27& P.193.
19. Najafi, M. H. Javaher al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam, Tahghigh: Ghochani A, Akhondi A, Beirut: Dar al-Ehyaee al-Torath al-Arebi, 7th publication, Bit, Vol 6, P.2& Vol 41, P. 449.
20. Helli, J. Al-motabar fi Sharhe Al-mokhtasar, Qom: Moassese Seyed Al-shohada, 1407, Vol 1, P. 424.
21. Helli, M. Izah Al-favaed fi Sharh Moshkelat Al-qavaed, Qom: Moassese Esmailian, 1387, Vol 4, P.155.
22. Helli, M. Kanz Al-erfan fi Figh Al-quran, Qom: Bi na, Bi ta, Vol 1, P.52.
23. Ardebili, A. Zobdat Al-bayan fi Ahkam, Al-quran, Tehran: Al-maktabat Al-jafarieh, Bi ta, P.627.
24. Ameli, M. Mashreq Al-shamsain va Exir Al-saadat, Mashhad: Majma Al-bohoth Al-islamieh, 2nd Pub, 1414, P. 433.
25. Naraq, M. Motamed Al-shia fi Ahkam Al-sharia, Qom: Kongereh Bozorgdasht Naraq, 1422, P. 35.
26. Tabatabaee, M. Ketab Al-manahel, Qom: Moassese Ul Al-beyt, Bi ta, P. 274& P.663.
27. Montazeri, H. Derasat fi Al-makaseb Al-moharamah, Qom: Nashr Tafakor, 1415, Vol 1, P. 448.
28. Baghdadi, M. Sheykh Mofid, al-Moghnae, Qom: Kongereh Jahani Hezare Sheykh Mofid, 1413, P. 798-800.
29. Sheykh al-Sharie Isfahani, F. Efazeh al-Ghadir fi Ahkam al-Asir, Qom: Daftar Entesharat Islami, 1410, P.72&, P.68-69.
30. Mousavi Khoe, A. al-Tanghih fi Sharh al-Orvat al-Vosgha, Qom: moaseseh Ehia Asar Imam Khoe, 1418, Vol 2, p.100-101& p.169& p. 98.
31. Tabatabaee Haeri, A. Riaz al-Masael, Qom: Moasseseh Ul al-Beyt, 1382, Vol 16, P.64.
32. Seyed Morteza, Rasael al-Sharif al-Morteza, Tahghigh: Rajae M, Qom: Dar al-Quran al-Karim, 1405, Vol 2, P.273.
33. Mohammad Ben Maki, al-Qavaed va al-Favaed, Tahghigh: Hakim A, Qom: Ketab Foroshi Mofid, Bi ta, Vol 2, P.73
34. Naraghi, A. al-Hashieh ala al-Rozahat al-Bahieh,

- Tahghigh: Ostadi R. va Ahmadi M, Qom: Daftar Entesharat Islami, 1425, P.842
35. Behbahani, M. B. Hashieh Majma al-Faedeh va al-Borhan, Tahghigh: Moasseseh Allameh Mojaddad Vhind Behbahani, Qom: Moasseseh Allameh Mojaddad Vhind Behbahani, 1417, P.680- 682.
36. Behbahani, M. B. al-Rasael al-Fighhie, Bi na, Bi ta, P.101-104.
37. Bojnordi, H. al-Ghavaed al-Fighhie, Qom: al-Hadi, 1377, Vol 5, P.308 & P. 323-324
38. Mousavi Khomeini, R. Tahrir al-Vasileh, Qom: Moasseseh Matboat Dar al-Elm, Bi ta, Vol 2, P.166.
39. Tabrizi, J. Isteftaat Jadid, Qom: Soror, 1378, Vol 1, P.27
40. Makarem S`hirazi, N. Resaleh Tozih al-Masael, Qom: Madreseh Amir al-Momenin, 1429, P.27
41. Tabrizi, J. Serat Al-Nejat, Qom: Dar al-Sedigheh al-Shahideh, 1436, Vol 7, P.137
42. Sanad, M. Sanad al-Orvaht al-Vosgha, Beirut: Moasseseh Um-al-Qora, 1426, Vol 2, P193
43. Hakim, M. Morshed Al-Moqtarab, Najaf: Maktab Ayat Allah Al-hakim, 1422, P. 172 & P. 173.
44. Koleini, M. Kafi, Theran: Dar Al-kotob Al-eslamieh, 4th Pub, 1407, Vol 6, P. 392.
45. Morrison, R.; Boyd, R. Shimi Ali, Tarjomeh: Heravi, M.; Rahimizadeh, M. Mashahd: Entesharat Daneshgah Ferdosi, 1367, Vol 1, P. 645.

